

# پیشینه‌شناسی حقوق مالکیت فکری ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۸

تاریخ تألیف: ۱۴۰۰/۲/۴

رحیم پیلوار\*

## چکیده

ضرورت کسب علوم نوین، تأسیس و بنای اقتصاد ملی مبتنی بر دانش و فناوری‌های نوین و بالأخره لزوم حمایت از صاحبان فکر و اندیشه، نزد مشروطه‌خواهان از ارج و قرب بالایی برخوردار بودند. آنها با درکی عمیق از علل عقب ماندگی ایران، از جمله اقدامات ضروری برای پیشرفت کشور را حمایت از آن چیزی می‌دانستند که ما امروزه اقتصاد دانش‌بنیان و حقوق مالکیت فکری می‌نامیم. مقاله حاضر با مطالعه تاریخ حقوق ایران و بررسی نخستین مقررات مصوب حکومتی به دنبال تبیین و تحلیل مبانی فکری امر نزد روشنفکران و علمای مشروطه‌خواه و شناسایی نخستین مقررات ایران در مورد حمایت از مالکیت فکری است. بر همین اساس هم با مطالعه رسائل و مقررات دوران مشروطه‌خواهی، جوانه‌های حقوق مالکیت فکری در ایران را ملاحظه می‌کنیم و مشاهده می‌گردد مقررات حمایتی از مصادیق حقوق مالکیت فکری بالأخص مالکیت صنعتی خیلی زود شکل گرفتند که از نظر تاریخی به‌علت فضل تقدم افتخاری برای ایران و اندیشمندان آن نسبت به دیگر کشورهای مشابه محسوب می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** مالکیت فکری، مشروطه، اقتصاد دانش‌بنیان، اختراعات، حق انحصاری.

\* استادیار دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران (rahimpilvar@ut.ac.ir).

شاید بسیاری از افراد گمان کنند در حقوق ایران مباحث مربوط به حقوق مالکیت فکری و لزوم ارتقای علم و فناوری‌های نوین و مبتنی کردن اقتصاد و تولید بر آن یا همان چیزی که امروزه اقتصاد دانش بنیان (Knowledge-Based Economy) می‌نامیم، مباحثی جدید و فاقد سابقه تاریخی مستحکم در ایران هستند، درحالی‌که این گمان صحیح نیست. توجه به دانش جدید و اعتلای اقتصاد مبتنی بر آن و ضرورت حمایت از آثار فکری صاحبان دانش در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و حقوق مالکیت فکری هم قدمتی به اندازه حقوق نوین ایران دارد. به بیان دیگر ادبیات مربوط به لزوم ارتقای علمی کشور و همچنین بنیان گذاردن اقتصاد ملی بر اساس دانش جدید و حمایت از حقوق مالکیت فکری نزد مشروطه خواهان وجود داشته و در نخستین رساله‌های روشنفکران و علما و همچنین نخستین قوانین و مقررات ایران هم ردپای آن ملاحظه می‌گردد.

این مقاله در پی آن است که نشان دهد نزد مشروطه خواهان اعم از مذهبی و غیر مذهبی، درکی عمیق نسبت به انحطاط ایران از یک سو و لزوم توجه به دانش جدید و وضع قوانین در حمایت از صاحبان اندیشه و صنعتگران از سوی دیگر، جایگاه ویژه‌ای داشته است. البته به مرور زمان، به علت دور شدن از آرمان‌های مشروطه (آزادی و حکومت قانون از نظر سیاسی و اقتصاد آزاد و زاینده از نظرگاه اقتصادی) این حقوق و ادبیات راجع به آن، کم رنگ شد و فترتی ناراحت کننده مستولی گردید و این زمزمه‌ها تبدیل به صدایی بلند و رسا در جامعه نشد و دهه‌ها طول کشید تا اینکه مجدداً، از حدود دهه هشتاد شمسی، چنین مباحثی به صدر مباحث ملی درآمد و جایگاه ویژه‌ای یافت، به طوری که اکنون در اسناد مهم بالادستی کشور<sup>۱</sup> در کنار وضع قوانین و مقررات جدید به

۱. سند نقشه جامع علمی کشور مصوب ۱۳۸۹، ۱۰، ۱۴ «... ۶ - توجه به اصل عقلانیت، تکریم علم و عالم، ارزشمندی ذاتی علم و ضرورت احترام حقوقی و اخلاقی به آفرینش‌های فکری - علمی؛ و دستاوردهای علمی بشری و بهره‌گیری از آنها در چارچوب نظام ارزشی اسلام... ۲ - ۲ اهداف کلان نظام علم و فناوری کشور ۱ - دستیابی به جایگاه اول علم و فناوری در جهان اسلام و احراز جایگاه برجسته علمی و الهام بخشی در جهان؛ ۲ - استقرار جامعه دانش بنیان، عدالت محور و برخوردار از انسانهای شایسته و فرهیخته و نخبه برای احراز مرجعیت علمی در جهان...» همچنین ر.ک: سیاست‌های اجرایی اقدامات ملی مربوط به مالکیت صنعتی از نقشه جامع علمی کشور مصوب ۱۳۹۲، ۰۵، ۰۱ - سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری) مصوب ۱۳۹۳، ۰۶، ۲۹ «... ۶ - ۵ - حمایت از مالکیت فکری و معنوی و تکمیل زیرساخت‌ها و قوانین و مقررات مربوط...». سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مصوب ۱۳۹۲/۱۱/۲۹: «... ۲ - پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور

ضرورت حمایت از مالکیت فکری تاکید شده است.

چنین مطالعه و تحقیقی بدون توجه به تاریخ مشروطه و تاریخ حقوق از یک سو و تتبع در مقررات قدیمی از سوی دیگر ممکن نبود باید توجه داشت "حقوق مالکیت فکری" به معنای نوین در فقه سابقه ندارد، زیرا حقوقی وارداتی از اروپا بوده است و در خود اروپا نیز حقوق مالکیت فکری عمری دراز ندارد، بلکه محصول تحولات قرون جدید می‌باشد. همین امر کار محقق را دشوار می‌کند<sup>۱</sup>. به هر حال قبل از شروع بحث باید چند نکته مهم را مد نظر قرار داد:

از نظر دامنه زمانی مطالعه محدود می‌گردد به پیش از مشروطه تا ابتدای حکومت پهلوی که هنوز می‌توان آن را حقیقتاً دوران مشروطه نامید<sup>۲</sup>. بر همین اساس جز در قسمت معاهدات که سال ۱۳۱۰ معیار قرار گرفت، در خصوص قوانین و مقررات داخلی، معیار سال ۱۳۰۵ است. باید توجه داشت بسیاری از قوانین و مقررات و اقدامات اجرایی رضا شاه در زمان سلطنت، حاصل سال‌ها روشنگری و مطالبه نخبگان کشور بوده است؛ مثلاً در خصوص راه آهن از ده‌ها سال قبل، در این خصوص رساله نوشته می‌شد و در فواید آن صحبت می‌شد (یک نمونه رساله فواید راه آهن نوشته کاشف السلطنه است که حدود دو دهه پیش از پیروزی مشروطه نگاشته شده و نویسنده با بررسی عالمانه و تطبیقی چند کشور اروپایی، نشان می‌دهد ساخت راه آهن نقش اساسی در پیشرفت اقتصادی ایران و جلوگیری از مشکلاتی نظیر قحطی‌ها دارد) (برای توضیحات بیشتر، ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۳۵۰ به بعد).

از لحاظ موضوعی نیز مطالعه از یک سو به ضرورت یادگیری و ترویج علوم و فنون جدید و بنای اقتصادی مستقل مبتنی بر علم که نزد تجددخواهان برجسته بوده و مقدمه‌ای ضروری برای

و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه - منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵، ۰۹، ۲۹: «ماده ۲۷ - شهروندان حق دارند اندیشه، خلاقیت و احساس خود را از طرق مختلف آفرینش فکری، ادبی و هنری با رعایت قوانین و حقوق دیگران بیان کنند ... ماده ۷۶ - انواع مالکیت‌های فکری از جمله مالکیت ادبی، هنری و صنعتی با رعایت قانون، محترم و مورد حمایت است و شهروندان حق دارند که در چهارچوب قانون از حمایت‌های لازم برای خلق و عرضه آثار هنری و انتفاع از حقوق مادی و معنوی ناشی از آنها در داخل و خارج از کشور برخوردار شوند».

۱. نویسنده بر خود لازم می‌داند بالأخص از آقایان دکتر محمود حکمت نیا و سید ناصر سلطانی که راهنمایی‌های مفیدی نموده‌اند، سپاسگزاری نماید.

۲. در بیست و چهارم آذر ۱۳۰۴ خورشیدی، رضاخان پهلوی در مجلس مؤسسان حاضر شد و با ادای سوگند به قرآن رسماً وظایف پادشاهی را به عهده گرفت. مراسم تاج‌گذاری در ۴ اردیبهشت ۱۳۰۵ انجام شد.

پذیرش نهاد مالکیت فکری است و از سوی دیگر به قوانین و مقرراتی که مستقیماً مربوط به مالکیت فکری بوده محدود می‌گردد. بنابراین مثلاً گرچه گمرک نقش مهمی در حقوق مالکیت فکری دارد و نزد مشروطه‌خواهان مورد توجه بوده، ولی چون رابطه اش با حقوق مالکیت فکری ثانویه است، خارج از بحث مقاله قرار می‌گیرد، گرچه بی‌شک مطالعه مستقل راجع به آنها مفید است<sup>۱</sup>.

منظور از مالکیت فکری هم اعم از مالکیت ادبی و هنری و صنعتی است. لازم به ذکر است نزد مشروطه‌خواهان هر دو محترم بوده‌اند گرچه به اقتضای نبودن رشته، هنوز واژه گزینی استاندارد صورت نگرفته بود و جالب اینکه هنوز که هنوز است در کشور ما هم حقوقدانان و هم مقنن، راجع به انتخاب ترجمه عبارت Intellectual Property، بین مالکیت معنوی و مالکیت فکری مردد هستند که البته واژه فکری مرجح و دقیقتر است (از جمله: صفایی، ۱۳۷۵، ص ۶۸).<sup>۲</sup> بی‌شک ریشه این مشکل ناشی از زاینده نبودن دانش و هنر کشور به میزان لازم در قرون جدید و عدم تکامل زبان به تبع آن است به گونه‌ای که حتی در یافتن معادلی دقیق برای واژه ایده که جزء لغات کلیدی در مالکیت فکری است در زبان فارسی دچار مشکل هستیم.

در ادامه نخست به نحو بسیار مختصر سیر تاریخی بزنگاه‌های مالکیت فکری در غرب را جهت امکان مقایسه بعدی با ایران بیان می‌کنیم و پس از آن وارد مباحث حقوق ایران می‌شویم:

۱. برای مثال محمد شفیق قزوینی که ظاهراً نخستین رساله اقتصادی ایران را بر پایه تجربه دوران صدارت امیرکبیر و دریافت‌های خود در کتابچه قانون نوشته است بیان می‌دارد: روسیه هیچ کالای خارجی را جز فرآورده‌های ایرانی به کشور خود راه نمی‌دهد و سبب اجازه ورود کالاهای ایرانی جز این نیست که برابر قراردادی که با ایران دارند زیاده بر سایر بلاد معمولی گمرک می‌گیرند. اما کالاهای دیگر کشورها را حتی اگر یک کرور ارزش داشته باشد در گمرک آتش می‌زنند و واردکننده را نیز مجازات می‌کنند. حمایت دولت روسیه از اهل صنایع به مرتبه‌ای است که مسئولان آنی از امور آنان غفلت نداشتند و در ادامه بیان می‌دارد در ایران بر واردات کالاهای خارجی به ایران، هیچگونه نظارت و دقت‌ای وجود ندارد. او بیان می‌دارد در حالی که در دیگر کشورها دولت به تربیت اهل صنایع توجه خاص نشان می‌دهد در ایران اهل صنایع ضایع می‌مانند و بر اثر تولید اندک و کیفیت پایین کالاهای داخلی، مردم به فرآورده‌های خارجی تمایل پیدا می‌کنند. بی‌توجهی دولت به اهل صنایع به گفته قزوینی در سال‌های اخیر به حد افراط رسیده است در شهرهایی مانند رشت، یزد، کاشان و غیره که صنعت رونق داشت و اهل صنایع آن بیشتر از شهرهای دیگر بود رعیت آن پراکنده نمی‌شد و گدایی رواج نداشت، اما اینک که تولید بسیاری از فرآورده‌های ایرانی مانند ابریشم زاج سفید و تریاک به خارج صادر می‌شد منسوخ شده، در این شهرها فقیر زیاده از سایر بلاد است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۳۴۲-۳۴۳).

۲. از ترجمه‌ها و اقتباسات متقدمین از متون انگلیسی و فرانسوی بر می‌آید استاندارد راجع به ترجمه نداشته‌اند و از جمله، کلمه معنوی یا روحانی را در برابر امر غیر مادی به کار می‌برده‌اند (برای دیدن تلاشی آگاهانه جهت معادلسازی در حقوق مالکیت فکری، ر.ک: جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳ به بعد).

## ۱. چگونگی شکل‌گیری مالکیت فکری در اروپا

در اروپا شکل‌گیری حقوق مالکیت فکری فرآیندی طولانی داشته و به دنبال ضرورت‌های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی به تدریج و به نحوی طبیعی متولد گردیده است. اروپا از سده دهم میلادی از نظر اقتصادی رو به رشد گذارد (کلی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵) و از قرن ۱۲ میلادی کم‌کم دچار تحول فکری و نوزایش (رنسانس) شد (طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۶۴۲). این تحولات مهم به تدریج باعث شکل‌گیری حقوق مالکیت ادبی و هنری و سپس مالکیت صنعتی شد.<sup>۱</sup> نقطه عطف شکل‌گیری مالکیت ادبی و هنری به اختراع دستگاه چاپ توسط گوتنبرگ آلمانی و نقطه عطف مالکیت صنعتی به انقلاب صنعتی برمی‌گردد (بدین‌سان باید توجه داشت حقوق مالکیت فکری برآیند تحولات فکری و صنعتی بوده است نه اینکه موجد آنها باشد).

در مورد مالکیت ادبی و هنری، در اروپا چند عامل مهم باعث شد پیش فرضهای ذهنی عوض گردد و آثار ادبی و هنری از حالت غیراقتصادی خارج شوند و مطالبه برای مال‌انگاری آنها و حمایت حقوقی شکل بگیرد: اول از همه اختراع صنعت چاپ و فراگیری سواد آموزی باعث شد امکان تکثیر مکتوبات در کوتاه مدت در مقیاس زیاد و ارزان فراهم شود و مردم هم مشتاق دریافت آنها باشند. همین مسئله نظام سنتی استنساخ را که عملی پرهزینه و زمان‌بر بود بر انداخت و ناشران که ذینفع مادی بودند، جهت دریافت حمایت حقوقی فشار می‌آوردند. ثانیاً بر خلاف قرون گذشته، پدیدآورندگان بالأخص تحت دیدگاه‌های پروتستانی و افول اندیشه‌های کلیسای کاتولیک، خواستار دریافت عوض مادی اثر خود بودند و دیگر گمان نمی‌کردند اثر آنها فقط الهامی از خداوند است که از وجود آنها تراویده و آنها صرفاً تکلیفی الهی را به جا آورده‌اند.<sup>۲</sup>

از بعد مقررگذاری، حقوق مالکیت ادبی و هنری نخست از طریق اعطای امتیازات پادشاهی به ناشران مورد حمایت قرار می‌گرفت زیرا آنها در کنار ارباب کلیسا ذینفع در نظارت بر محتوای آثار منتشره بودند. برای مثال در فرانسه نخستین بار، لویی دوازدهم در سال ۱۵۰۷ میلادی برای نوشته‌های پل قدیس امتیاز انحصاری بهره‌برداری اعطا کرد کم‌کم از خود پدیدآورندگان آثار حمایت می‌شد و سپس حمایت‌ها به آثار هنری هم گسترش یافت (اواخر قرن هجدهم). حقوق

۱. باید توجه داشت در گذشته وقتی از مالکیت ادبی صحبت می‌شد منظور از "ادبی" عنوانی عام و در برگیرنده علوم تجربی هم بوده است و کم‌کم علوم طبیعی از علوم ادبی جدا شده است (باینم، ۱۳۹۸، ص ۱۷۸).  
۲. شبیه این دیدگاه در مشرق زمین هم بوده است (استادی، ۱۳۹۸، صص ۴۴ و ۲۵۶).

معنوی پدیدآوردگان در کنار حقوق مادی آنان، از قرن نوزدهم شناسایی شد و در قرن بیستم هم حقوق مرتبط یا مجاور استقرار یافت (کلمبه، ۱۳۹۰، ص ۲۰ به بعد).

در حقوق مالکیت صنعتی هم بر همین قیاس کم کم حمایت‌ها شکل گرفت و گسترش پیدا کرد. انقلاب صنعتی در اروپا و نخستین بار در انگلیس (قرن هجدهم میلادی) واقع گردید. اولین کشوری که صنعتی شد و نظام کارخانه‌ای را دایر کرد. این انقلاب در پی پیشرفت‌های علمی به وقوع پیوست و بر افزایش نیاز به انرژی برای ساخت و تولید کالاها با سرعت زیاد و انتقال آنها به جاهای دور و پرت تکیه داشت (باینم، ۱۳۹۸، ص ۲۴۸ به بعد). در واقع اختراعات نقش مهمی در انقلاب صنعتی داشتند و منجر به قابلیت تولید عظیم شدند و با امکان تولید انبوه، نیاز به بازار مصرف و مواد خام و بالآخره نیروی کار ایجاد می‌شد و رقابت بین تجار و صنعتگران و شرکت‌ها افزون شد (تفضلی، ۱۳۸۶، ص ۸۱) و از دل این ضرورت‌ها، حقوق اختراعات (ر.ک: شبیری زنجانی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵ به بعد)، علائم و طرح‌های صنعتی و منع رقابت نامشروع به صورت جدی سر بر آوردند. (مشهور است علت تصویب معاهده پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی در سال ۱۸۸۳ میلادی، شکست نمایشگاه بین‌المللی اختراعات وین در سال ۱۸۷۳ بوده که هیچ کشوری از ترس کپی برداری دیگری حاضر نشده بود محصولات خود را در آن عرضه کند (به نقل از: میرحسینی، ۱۳۹۴، ص ۲۶).

## ۲. وضعیت ایران

در خصوص وضعیت ایران نیاز به تدقیق بیشتری است. اولین شکست ایران به علت تفاوت در فناوری در زمان شاه اسماعیل صفوی اتفاق افتاد. عثمانیان که صاحب تسلیحات گرم بودند موفق شدند علی‌رغم رشادت‌های ایرانیان که صرفاً تسلاح‌های سنتی داشتند، ایرانیان را در سال ۱۵۱۴ میلادی در جنگ چالدران شکست دهند. گرچه متعاقباً ایرانیان به لطف اروپاییان توانستند به اسلحه گرم دست پیدا کنند و اراضی و حیثیت خود را باز پس بگیرند ولی متأسفانه تبدیل به تولیدکننده علم و دانش نشدند و میراث خوار گذشتگان و دیگران باقی ماندند.

دو شکست ایران از روسیه در زمان فتحعلی شاه قاجار که منجر به انعقاد معاهدات ننگین گلستان ۱۸۱۳ میلادی و ترکمانچای ۱۸۲۸ میلادی شد و مدتی بعد نیز معاهده پاریس ۱۸۵۷ میلادی، منجر به سلب حاکمیت ایران از هرات شد، در کنار قحطی‌ها و بیماری‌های فراگیر،

مشروعیت نظام سنتی در ذهن ایرانیان که کم‌کم صاحب "دریافتی جمعی" شده بودند فروریخت. سه دشمن اصلی انسان یعنی جنگ، بیماری و قحطی هم از سرزمین ایران و هم از جمعیت ایران به شدت کاست به گونه‌ای که زخم آنها بر ذهن ما ایرانیان هنوز التیام نیافته است.<sup>۱</sup> قحطی و وبای سال ۱۲۸۸ را در کنار ستم قاجار و حکام محلی<sup>۲</sup>، می‌توان نقطه عطفی در آگاهی مردم ایران دانست (طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۴۸ / نیز برای دیدن تحلیل اقتصادی عصر قاجار، ر.ک: همایون کاتوزیان، ۱۳۹۶، ص ۷۰ به بعد).

بدبختیها و زجرهای مذکور باعث شد ایرانیان به جنب و جوش بیفتند تا علل عقب ماندگی خود را کشف و رفع کنند. ایرانیان زیادی به همت عباس میرزا از زمان فتحعلیشاه به بعد به سفر اروپا رفتند (ر.ک: استادی، ۱۳۹۸، ص ۴۷ / آذرنگ، ۱۳۹۴، ص ۳۱۵ / نیز برای دیدن چندین نمونه از سفرنامه‌ها، ر.ک: ایمانی، ۱۳۹۳، ص ۵۵ به بعد) البته تعداد کمی هم به شرق مثل هند و ژاپن سفر کردند. مدرسه دارالفنون هم در سال ۱۲۶۸ قمری به همت امیرکبیر تأسیس شد (البته خودش افتتاح آن را ندید) و تأثیرات بسیار مثبتی در سرنوشت ایران داشت<sup>۳</sup>. همچنین مصادف با این ایام

۱. برای مثال احتشام السلطنه، قحطی سال ۱۲۸۸ را حادثه‌ای مهم در تاریخ معاصر ایران می‌داند و بیان می‌دارد در این سال قحطی همه جای ایران را فرا گرفت و بهای گندم که با اختلاف محل از یک تومان تا ۱۵ قران تجاوز نمی‌کرد به ۳۰ تا ۴۰ تومان رسید و بعد از آن پس نیز به کلی نایاب شد. او بیان می‌دارد در زمستان هم، سرمای شدید و قحطی که به بی‌نظمی در جمیع شتون و نبودن هیچ وسیله‌ای برای دفع بلیات مضاعف شده بود هزاران نفر جان باختند و با شیوع بیماری وبا قحطی به فاجعه عمومی تبدیل شد مردم بعد از خوردن سگ و گربه و هر چه خوردنی و به قول معروف دندان‌گیر بود ناچار به خوردن اطفال پرداختند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۳۵) - میرزا آقاخان هم در توصیف شرایط کشور در آن دوران در نامه خود به ملکم خان بیان داشته: به‌علت رکود اقتصادی در ظرف ۱۰ سال جمعیت کرمان از صد هزار نفر به ۳۰ هزار نفر کاهش یافته و عمال و رعیت و مباشرین به‌گونه‌ای فقیر و پریشان شده‌اند که ناچار تا دو سال دیگر از پرداخت مالیات عاجز خواهند شد. درحالی‌که هر سال ۱۰۰ هزار نفر از مردم با استطاعت ایران به کشورهای بیگانه مهاجرت می‌کنند. فرآورده‌ای که کشور ایران تولید می‌کند فقط گدا است. حاصلات تجارتي از قبیل ابریشم و پنبه و تریاک به واسطه عدم استطاعت ملاک و متفرق شدن عمده جات مزارع از قرار ده تا پنج رو به کاهش نهاده حیوانات شاخ دار از قبیل گاو و گوسفند در داخل مملکت از ۱۰ سال به این طرف نصف شده است. مردم شیراز و پشتکوه و کردستان و کرمانشاهان همه در هند و عراق عرب متفرق‌اند. اهالی آذربایجان همه در قفقاز و استانبول و آناتولی به سر می‌برند اهالی مازندران و استرآباد در بنادر روسیه. دیگر چه مانده است؟ (ر.ک: همان، ص ۷۳).

۲. میرزا آقاخان کرمانی در این خصوص بیان می‌دارد: درجه ظلم در حق مظلوم و پایه ستم حاکم درباره محکوم، به قدر حد قدرت و قوت حاکم است. هر قدر ممکن باشد و بتواند در حق رعیت ظلم می‌نماید و هرچه نکرده نتوانسته، نه اینکه نخواسته است (به نقل از: طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۳۳۵).

۳. امیر کبیر موسیو جان داوود ارمنی را مأمور کرد به اتریش برود و عده‌ای استاد مناسب انتخاب کند و برای تدریس

صرف نظر از شروع ترجمه آثار علمی و ادبی اروپاییان، علمای شیعه از دروازه‌های تبریز بالأخص از طریق علمای عثمانی در کنار از فرنگ برگشتگان با تحولات مغرب زمین آشنا شدند و حتی در مباحث فقهی تأثیر پذیرفتند.<sup>۱</sup>

باری، با ورود اندیشه‌های جدید از طریق روشنفکران و آمادگی ذهنی مردم برای تغییر، گسست جدی در سنت ایجاد گردید و به تعبیر برخی دیالکتیک بحران و آگاهی شکل گرفت (طباطبایی، ۱۳۹۲، صص ۸۹ و ۲۹۶) و زمینه بیداری ایرانیان فراهم گردید. در آن زمان دو جریان فکری عمده در مواجهه با پیشرفت‌های اروپا شکل گرفت: نخست کنار گذاشتن احکام اسلامی و پذیرش کامل مظاهر معنوی و مادی تمدن غرب؛ دوم تطبیق دستاوردهای غرب با شرع و رد کردن آنها از صافی اسلام. البته دسته اخیر خود دو گروه بودند: برخی از سر اعتقاد و ایمان چنین می‌اندیشیدند، برخی نیز گمان می‌کردند در ایران جز این چاره‌ای نیست.<sup>۲</sup>

از زمان ناصرالدین‌شاه قاجار<sup>۳</sup> که شیفته پیشرفت‌های اروپا بود (گرچه به مقدمات و لوازم آن خود را پایبند نمی‌کرد<sup>۴</sup> و شخصیتی پارادوکسیکال داشت یعنی هم داعیه اصلاحات داشت و هم

در چند رشته همراه خود به ایران بیاورد. وی در سال ۱۲۶۸ هجری قمری به ایران بازگشت و شش استاد اتریشی و یک استاد ایتالیایی همراه آورد. تخصص این استادان در رشته‌های پیاده‌نظام، توپخانه، سواره نظام، معدن‌شناسی، پزشکی و جراحی و داروسازی و علوم مهندسی بود. همچنین ایشان دستور ترجمه آثار مهمی از جمله اسامی مخترعین اروپایی و شرح اختراعات آنها را داده بود (آذرنگ، ۱۳۹۴، صص ۳۵۳ و ۵۳۴).

۱. برای مثال میرزای نایینی (ایشان خدمات فکری زیادی به مشروطه نمودند) بحث‌های اشتباه در عقود را از حقوق فرانسه وارد فقه شیعه کرد (به نقل از جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۹۵) یا شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء بر المجله الاحکام العدلیه که قانون مدنی عثمانی بود و بر اساس فقه حنفی ولی به شکل کد ناپلئون نوشته شده بود، شرح نوشت.

۲. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: همان، ص ۱۵۸. البته در این بین، سنت‌گرایانی هم بودند که با اساس مشروطه مخالف بودند.

۳. او سه سفر به فرنگ داشت و اولین شاه ایرانی سفر کرده به اروپا بود و از زاویه مالکیت ادبی و هنری، شعر می‌سرود و به عکاسی می‌پرداخت و در واقع مولف بود!

۴. با این همه فضای فکری جامعه بسته بود و تیغ سانسور به آسانی گلوی مخالفان را می‌برید. حکومت با سلاح قدرت و برخی مشرعه با سلاح تکفیر چنین می‌کردند. مشهور است به دستور ناصرالدین شاه کتاب یک کلمه مستشار الدوله را آنقدر بر سر او کوبیدند که باعث نابینایی او شد (آذرنگ، ۱۳۹۴، ص ۴۰۵). حتی برخی نویسندگان مجبور بودند به زبان حیوانات مطالب خود را بگویند مثل خرنامه اعتمادالسلطنه که ترجمه آزاد از کتابی فرانسوی بوده است گرچه همین کتاب هم به دستور ناصرالدین شاه توقیف شد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۲، صص ۱۱۱، ۱۱۸ و ۱۷۸).



خود بزرگترین مانع برای اصلاحات بود!) (ر.ک: آبراهامیان، ۱۳۹۶، ص ۸۳)، بحث قانون‌خواهی و عدالت‌خواهی در ایران به‌عنوان علاج همه دردها مطرح شد. پیشگامان فکری مشروطه اعم از مذهبی و غیرمذهبی تقریباً اجماع داشتند که نیاز اصلی کشور، داشتن قانون است. کتاب یک کلمه مستشارالدوله (منظور از «یک کلمه» قانون است) که از کتاب‌هایی بود که نزد مشروطه‌خواهان دست به دست می‌شد و مرجع تلقی می‌گردید، نمادی از این تفکر غالب بود.<sup>۱</sup>

با ملاحظه افکار و نوشته‌های موثرین در انقلاب مشروطه فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی آنها، به خوبی ملاحظه می‌گردد اکثریت آنها با درک صحیح از پیشرفت‌های اروپا مروج گسترش آموزش علوم نوین و همه‌گیری آن و همچنین حمایت حقوقی از صاحبان علم و اندیشه بودند. آنها درک کرده بودند پیشرفتهای اروپاییان نتیجه تحول در مبانی فکری آنها بوده است نه اینکه امری اتفاقی باشد. از زاویه بحث این مقاله می‌توان گفت: نزد آنان حریت یا همان آزادی افراد و نتایج آن نظیر آزادی کسب علم و دانش، آزادی انتخاب پیشه و آزادی بیان و همچنین لزوم قانونگذاری به سبک نوین برای حمایت از صاحبان دانش نقش محوری داشته و همین نگرش باعث شد قائل به حقی نوین و انحصاری برای اهل فرهنگ و صنعت بشوند (برای دیدن نشانه‌هایی از مالکیت فکری در ایران قبل از شکل‌گیری حقوق نوین، ر.ک: استادی، ۱۳۹۹، ص ۲۰ به بعد).

در ادامه به ترتیب افکار چند نفر از موثرین فکری در مشروطه را از نظرگاه بحث خود و فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی آنها، بررسی می‌کنیم و سپس به ذکر مقررات مرتبط به مالکیت فکری می‌پردازیم. هدف این است که خواننده ملاحظه کند اولاً نخبگان فکری وقت، درک کرده بودند رمز پیشرفت کشور در توسعه دانش و حمایت از صاحبان آن است و ثانیاً قانونگذار در چه فضای فکری، مبادرت به وضع قانون برای حمایت از مالکیت فکری که فاقد سابقه فقهی بوده، کرده و چرا مورد تأیید علما و روشنفکران وقت یا دست کم عدم مخالفت آنها بوده است.

### ۳. لزوم توجه به علم و دانش و مالکیت فکری در اندیشه‌های روشنفکران مشروطه‌خواه

در این قسمت بریده‌هایی از اندیشه‌های روشنفکران مشروطه‌خواه، راجع به مباحث مدنظر این

۱. برای ملاحظه اهمیت کتاب یک کلمه نزد مشروطه‌خواهان و آثار آن و تلاش نویسنده در جمع ارزشهای دینی با تحولات جدید، ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۷ به بعد.

پژوهش فارغ از دیدگاه‌های سیاسی ایشان که ارتباطی با موضوع پژوهش حاضر ندارد، می‌پردازیم تا نشان داده شود چگونه زمینه‌های فکری را برای حمایت از دانش‌های نوین و صاحبان آن فراهم نمودند:

### ۳-۱. میرزا یوسف خان مستشارالدوله

میرزا یوسف خان مستشارالدوله (۱۲۳۹-۱۳۱۳ق)، نویسنده کتاب معروف یک کلمه یا روح الاسلام، جزء رجال بلندپایه حکومتی در عهد ناصری و جزء با فضل‌ترین روشنفکران عصر ناصری و موثرین آنها بود (عمید زنجانی، ۱۳۸۷، ص ۱۹). مستشارالدوله بعد از تجربیات بسیار و مسافرت به اروپا، کتاب "یک کلمه" خود را به رشته تحریر درآورد. در کتاب یک کلمه، مستشارالدوله تلاش کرد تا اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹م (Déclaration des droits de l'Homme et du Citoyen) را به لباس اسلام در آورد و نشان دهد اصول و قواعد پیشرفت اروپاییان تعارضی با اسلام<sup>۱</sup> ندارد.

از دیدگاه بحث حقوق مالکیت فکری، کتاب ایشان قابل توجه است. ایشان ذیل مفهوم حریت (ظاهراً نزد وی ترجمه و یا معادل Liberté فرانسوی است) درخصوص آزادی افکار مطالبی ذکر کرده است که در نوع خود و نسبت به زمان خود، بی‌نظیر است. او ضمن تأکید بر لزوم آزادی بیان در جامعه و استناد به امر به معروف و نهی از منکر از باب وجود سابقه، بیان می‌کند که حکم کلی درباره آزادی زبان و قلم باید درخصوص مطبوعات (به معنای آنچه چاپ و منتشر می‌گردد) تعمیم یابد و همگان از آزادی بیان بهره‌مند باشند و آثار علمی آزادانه منتشر شوند (طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲ به بعد). بی‌شک پیوند آزادی بیان و خلاقیت در ابراز آثار ادبی و هنری بر کسی پوشیده نیست (ر.ک: حکمت‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۹۵ به بعد).

در فقره هجدهم کتاب، ایشان به حقوق مالکیت صنعتی اشاره می‌کند. او می‌نویسد: «... باید دانست که در فرنگستان باعث عمده و اعظم در ترقی صنایع و کسب، آزادگی آنهاست چنان که هرکس به هرگونه کسب و به هر قسم صنعتی که بخواهد اقدام کند مانع و ملامتی از کسی نخواهد دید. مع هذا آن نیز در تحت قانون است به این معنی که کسی که صنعتی و عملی اختراع کرد،

۱. ایشان در کتاب به آیات و روایات بسیاری اشاره دارد و به کتب فقهی نظیر شرایع الاسلام (مثل ص ۱۵) هم ارجاع می‌دهد.

امتیاز آن را چه از دولت متبوع خود و چه از سایر دول متمدنه تا مدت معینه با شروط قانونیه برای خود تحصیل کرده از منافع آن بهره‌مند می‌شود و این باعث می‌گردد که هرکس در اختراعات جدید صرف افکار کنند و به این وسیله، حرف و صنایع ترقی و انتشار می‌یابد». (مستشارالدوله، ۱۳۹۳، ص ۴۲).

ملاحظه می‌گردد که ایشان در همین متن کوتاه، اشاره به لزوم حمایت از افراد خلاق و مبتکر می‌نماید. از سخن او بر می‌آید حقوق مالکیت فکری اعطایی را "امتیاز" می‌دانسته و مهمتر آنکه به ضرورت حمایت‌های بین‌المللی از صاحبان اندیشه هم اشراف داشته است. ظاهراً مرحوم منصورالسلطنه عدل از نویسندگان قانون مدنی و حقوقدانان عصر مشروطه تحت تأثیر همین دیدگاه در کتاب حقوق اساسی خود، ذیل حق آزادی، سخن از لزوم حمایت از مخترعین و آزادی بیان و مطبوعات (در معنای عام) و... می‌کند (عدل، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱-۱۱۱).

### ۳-۲. میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی

طالبوف (۱۲۵۰-۱۳۲۹ق) جزء کسانی بود که به‌صورت جدی به مباحث اقتصادی علاقه نشان می‌داد و در متون فارسی اصطلاحات بنیادین علم اقتصاد جدید را ذکر می‌کرد. او متوجه شده بود فقدان اندیشه اقتصادی که در نظام سنت قدمایی به هیچ وجه جایی نداشت از مهم‌ترین عوامل کم‌رشدی ایران است. او بیان می‌داشت در وطن ما اساس اطمینان مال و جان تبعه مفقود و موقوف به میل حاکم است و هیچ‌کس در اقدامات نافع خود مطمئن نیست. او درباره تقلب‌هایی که در فرش بافی ایران می‌شد می‌نویسد بازرگانان مسلمان نمای جاهل ما آن الوان قلب را برای نفع موقتی خود در مملکت ترویج دادند، هم نقص بزرگ به عمل صباغت و فروش الوان ثابت مملکت وارد نمودند و هم قالی ما را در انظار خارجه بی‌اعتبار کردند. تاجر امروزی ایران یعنی حمال‌های فرنگی‌ها. در اثر تباهی اخلاق مردم<sup>۱</sup> تقلب‌های تولیدکنندگان و بازرگانان، آسیب‌های جدی به اقتصاد ما وارد شده است و ایران تبدیل به بازار کالاهای کشورهای بیگانه شده است. او بیان می‌دارد روح ثروت

۱. از مطالعه منابع چنین بر می‌آید که در دوران قاجار مردم از جمله به‌علت فقدان حکومت قانون و شرایط بد اقتصادی، دچار سقوط اخلاقی جدی شده بودند مثلاً مرحوم شیخ هادی نجم‌آبادی بیان می‌دارد: وحشینی عالم که اطوار ما را می‌بینند یا می‌شنوند از ما حذر می‌نمایند! از زاویه بحث ما تقلبات بسیار در کسب و کار محل توجه است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۳/مراغه‌ای، ص ۳۶).

ملت در تجارت و فروش معمولات کارخانجات مملکتی و جمیع امور دایر به وضع و حیثیت وطن در محافظه وقت و عدم اتلاف اوست. هر دقیقه وقت قیمت مخصوصی دارد. در میان این ملت هرگز نوشته‌ای در علم زراعت و اصلاح زمین، مزرعه و تناسل حیوان‌های شاخدار تالیفی اقلادارای اطلاعات سطحی از بعضی از عملیات و آبیاری ... و کارکرد معادن و کاشتن بیشه‌زار ساختن آسیاب طرح جدید و فواید تسطیح معابر در دست هیچکس دیده نشده تا چه رسد به علم اکونومی. ثروت شالوده اتحاد ملی را فراهم می‌آورد که شرکت‌های اقتصادی مبنای آن است. قوت روحانی هر ملت موقوف به کثرت شرکت‌های مشکله اوست. زیرا که صدای جماعت صدای خداست. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۳۳۶ به بعد).

### ۳-۳. زین العابدین مراغه‌ای

نویسنده کتاب "سیاحت نامه ابراهیم بیگ" از رجال روشن اندیش در زمان قاجار بود که کتاب او در میان مردم دارای نفوذ بسیار زیادی شد به طوری که نقل شده حتی آن را در جمع می‌خواندند و برخی هم گریه می‌کردند. او کسی بود که مفهوم وطن در معنای امروزی خود را در جامعه رواج داد (ر.ک: آجودانی، ۱۳۹۶، ص ۳۹).

هنر اصلی زین العابدین مراغه‌ای (۱۲۵۵-۱۳۲۸ق) از نظرگاه بحث ما این است که او با درک عمیق از مشکلات کشور با تشریح و تبیین عقب‌ماندگی‌های کشور، از جمله ضرورت تأسیس مدرسه به سبک نوین را برای آموختن علم و دانش نوین تبیین و ترویج نمود و معتقد بود قدرت امروزی مبتنی بر علم و ثروت است و باید جامعه در این زمینه تلاش نماید.

او در قسمتی از کتاب بیان می‌دارد «... ایرانیان به اتفاق دانشمندان هر ملت، دارای استعداد فطری و هوشیار و قابل هرگونه ترقی و تمدن هستند و در صورتی که تربیت و تعلیم شوند به وطن خودشان خدمات نمایان توانند نمود. برای اثبات این مدعا دلایل واضح توان آورد: نخست با همه دوری از علوم و فنون متداوله پاره معمولات ایران را که نتایج فکر و خیال خود ایرانیان و اثر چیره‌دستی خود ایشان است، در میان می‌بینیم که موجب حیرت و مزید استحسان دوست و بیگانه است. هرگاه این ملت نجیب ذات خودشان را به صفات علوم و فنون جدید نیز آرایش بدهند هر آینه یکی از اقوام متمدنه باهوش و هنر روی زمین خواهند بود. همچنین است در تحصیل علوم جمععی از نجبازادگان ایران را می‌دانیم که به مدارس متعدده روس و فرانسه و انگلیس برای تحصیل داخل

شده با همه شداید غربت و بیگانگی در امر تحصیل گوی سبقت از بومیان ربوده‌اند، ولی با این همه استعداد مادرزاد، مطالعه کنندگان خواهد پرسید چرا ایرانیان در همه چیز از سایرین عقب مانده‌اند؟ سبب آن معلوم است از نبودن مربی، از نبودن مربی، از نبودن تربیت‌کننده. چنان که معلوم است در دستگاه حکومت ایران از یک عصر به این طرف علم و هنر ابداً طرف اعتنا نیست شخص برای رسیدن به مراتب بلند یا باید به یک طرف بسیار قوی انتساب داشته باشد یا صاحب پول زیاد هرگاه از این دو وسیله بی‌بهره باشد در علم و هنر و کاردانی آصف زمان خود باشد کسی به شانس اعتنا نمی‌کند...» (مراغه‌ای، [بی‌تا]، ص ۱۹۷).

او که خود از تجار بود و آگاهی کاملی از مشکلات اقتصادی کشور داشت می‌دید که بسیاری از کشورها در حال پیشرفت و افزایش ثروت خود هستند، اما در ایالت‌های ایران هر جا که می‌نگری مردمان تنبل و بیکارند که در هر گوشه‌ای جوق جوق نشسته‌اند شهرها همه خراب و چون گورستان است. اگر شخصی به دیده بصیرت بنگرد از در و دیوار شهر توان شنید که به آواز بلند می‌گوید من صاحب ندارم. در نظر او اقتصاد جدید مستلزم دگرگونی در روحیه مردم بود اما می‌دید تولیدکنندگان ایرانی نمی‌توانند به آسانی خود را از چنبر شیوه‌های سنتی رها سازند. او برای مثال می‌دید که افرادی که در پرورش باغات و گرفتن محصول و تربید حاصلات قدمی راه ترقی نپیمودند و به هر نحو از نیاکان خویش دیده‌اند، همان است. از فن زراعت و حراست به‌کلی بی‌خبرند. او می‌دید بازرگانان ایرانی به مصالح درازمدت فعالیت اقتصادی و کوشش برای دست یافتن ثروت فکر نمی‌کنند و برای همین منافع بلند مدت را قربانی منافع کوتاه مدت می‌کنند. به گفته او بس که تقلب در کار نموده، از رنگ و تار متاع دزدیدند و روکار و میان کار کردند و رنگ‌های قلابی به کار بردند، مشتریان دیگر رغبت نمی‌کنند. چندی نمی‌گذرد که اینها بالمره منسوخ و منقرض می‌شود. آنگاه باید ما از منسوجات ابریشمی مسکو به ایران بفرستیم. او خاستگاه نظری تقلب را این می‌دانست که تولیدکننده و بازرگان ایرانی تصویری از مصالح ملی ندارند و حتی به منافع شخصی بلندمدت خود هم فکر نمی‌کند. همچنین بیان می‌داشت: مردم از لذایذ تحصیل علوم و فنون متداوله که غذای روح است به‌کلی بی‌بهره‌اند و شیاطین فرنگستان به قوت علم و صنعت همه‌ساله پول بسیاری از مملکت بیرون می‌کشند. بازرگانان به جای اینکه سرمایه خود را در امور تولیدی به‌کار گیرند به خرید مستغلات روی آورده و برای خودنمایی و تشخص به تجمعات عادت کرده‌اند. او چنین افرادی را نه تاجر بلکه مزدوران فرنگ لقب می‌داد. مراغه‌ای به بی‌خبری بازرگانان

ایرانی از الزامات اقتصادی جدید مثل تشکیل شرکت‌های تجاری بزرگ به جای فعالیت فردی، اشاره دارد و تاکید می‌نماید ایرانیان همه "من" هستند!<sup>۱</sup> در نظر او بازرگانان ایرانی تبدیل به فروشندگان کالاهای کشورهای بیگانه و صادرکننده ثروت ملی شده‌اند به گونه‌ای که ایران از کاغذ قرآن گرفته تا کفن محتاج فرنگ شده است. در نهایت او اسباب عمده خرابی‌های کشور را ظلم و مایه آن را هم جهالت می‌داندست (به نقل از: طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۳۱۶ به بعد).

#### ۴. لزوم توجه به علم و دانش و مالکیت فکری نزد روحانیون مشروطه‌خواه

در این قسمت ضرورت مباحث از زبان علمای مشروطه‌خواه بیان می‌گردد. بدون شک ارزشها و اهداف مشروطه در ایران بدون حمایت علما قابل تحقق نبود. برای همین مشروعیت بخشی به مسائلی نظیر همگانی کردن آموزش علوم نوین و حمایت از حقوق صاحبان فرهنگ و دانش از جانب علما، نقطه عطفی در تاریخ شیعه است.

##### ۴-۱. حاج اسدالله ممقانی

ایشان از علمای تجددخواه پایان دوره قاجار و اوایل سلطنت پهلوی است. او علاوه بر تصدی وزارت دادگستری در کمیسیون تدوین قانون مدنی عضو بوده و همچنین مستشار دیوان تمیز نیز بوده است.

نزد اسدالله ممقانی، اقتصاد ملی نقش بسیار مهمی در کشور دارد. او خواهان این بود که تا آنجا که ممکن است ایران صاحب اقتصادی مستقل و تولیدکننده باشد و مصائب اقتصادی را مهمترین سبب ضعف ایران می‌داندست. ایشان رعایت شعائر دینی را که متضمن وابستگی به واردکردن کالاهای بیگانه باشد خلاف روح شریعت می‌داندست و حتی معتقد بود مقرر مرجعیت باید به ایران منتقل گردد و در عراق نباشد.<sup>۲</sup> او خواهان کار و تلاش مردم و پایان دادن به تن پروری به بهانه‌های واهی از جمله بهانه‌های مذهبی بود. ایشان برخی افراد از ارباب عمایم، خدام، روضه خوانها،

۱. این مثال را با تجار تبریزی می‌زند (ر.ک: مراغه‌ای، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۷۹ به بعد).

۲. این امر با همت مرحوم آیت الله حائری و پهلوی اول محقق و حوزه علمیه قم تأسیس شد (آبراهامیان، ۱۳۹۶، ص ۱۶۰).

قلندران و درویشان و حتی زنان را و همچنین برخی از ملاکین و اعیان را بیکارانی می‌دانست که نفعی عاید کشور و اقتصاد آن نمی‌کنند. از نظر او عالم راستین دین کسی بود که به تاریخ آگاه باشد و اسباب و علل سقوط ملت‌ها را بداند. او معتقد بود که باید برای رفع نیازهای امروز، همه علوم امروز را در هر جایی و در اختیار هرکسی که باشد فراگرفت زیرا آن علم آنها را از پست‌ترین پایه نادانی برتری داده و به آسمان مدنیت رسانده است. به نظر برخی رساله مسلک الامام فی سلامه الاسلام ممقانی در شمار نوشته‌هایی است که شریعت مداران بر پایه دریافت نویی از دیانت در دوره مشروطه‌خواهی درباره مشکلات اقتصادی ایران نوشته‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۸-۱۹۶).

## ۴-۲. سید عبدالعظیم موسوی خلخالی معروف به عمادالعلماء

ایشان جزء علمای بزرگ نجف بوده و گرچه از وی اطلاعات زیادی ثبت نشده ولی در ۲۵ شوال ۱۳۲۵ رساله‌ی بیان معنی سلطنت مشروطه و بیان فوائدها را به رشته‌ی تحریر درآورده است. او از جمله علمای مشروطه‌خواه بود که در عین تقید به مبانی اسلام به خوبی متوجه لزوم توجه به علوم و معارف و صنایع جدید شده بود. او بر خلاف تفکر رایج ایرانیان که تنها زر و سیم و مستغلات را اموال با ارزش می‌دانستند، معتقد بود ضروری است ایرانیان علوم و معارف جدید را فرا بگیرند و بیان می‌داشت به واسطه علم، گنج‌های مکنونه در شکم زمین ظاهر می‌شود و جداول طلا و نقره بر سطح زمین جاری می‌گردد. به علم تجزیه مرکبات و ترکیب بسایط و ترتیب منسوجات و خواص معدنیات ثروتی بی‌نهایت حاصل و پیدا و هویدا می‌شود. او صراحتاً نمودهای تمدن جدید را از نتایج پیشرفت علوم در کشورهای اروپایی می‌دانست و معتقد بود در ثروت علم آفت و تباهی راهی ندارد. او معتقد بود بی‌توجهی ایرانیان به کسب علم و دانش باعث شده حتی در تامین کاغذهای کتاب آسمانی و کفن محتاج به خارجی باشند. همچنین عمادالعلماء نقش مهمی در استقرار مشروعیت تأسیس مدارس جدید که میرزا حسن رشیدی بنیانگذار آنها بود (ر.ک: آجودانی، ۱۳۹۶، ص ۲۵۹)، داشته و بیان می‌کرد امروزه ملت ایران باید در این باب سعی بلیغ و اهتمام تام نمایند که این کودکان بیگناه معصوم و این یتیمان بی‌پناه مظلوم در سر هر معبری و در وسط هر گذری آواره و در مانده نمانند و اوقات شریف خود را که اوان تربیت آنهاست به سنگ بازی و نی سواری و کبوترپرانی و قماربازی صرف نمایند که بعد از وصول به حد رشد و کمال، و مبتلا شدن به خواری اولاد و عیال، کسب آنها گدایی و حمالی و دزدی نباشد. (طباطبایی، ۱۳۹۲،

ص ۴۳۶ به بعد).

### ۴-۳. آخوند خراسانی

ملا محمد کاظم خراسانی مشهور به آخوند خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ق)، صاحب کفایه (کفایة الاصول)، فقیه، اصولی، سیاستمدار و مرجع تقلید شیعه امامیه عصر خود بود. ایشان پس از درگذشت میرزای شیرازی، مرجعیت شیعه را بر عهده داشت و در کنار شیخ عبدالله مازندرانی و میرزا حسین خلیلی تهرانی سه مرجع تقلید حامی مشروطیت در ایران بودند که به آیات ثلاث معروف بودند.

ایشان نقش اساسی در گذر ایران از نظام استبدادی به نظام مشروطه و تبیین مشروعیت مشروطه نزد مردم دین مدار داشتند. کتاب اصول فقه ایشان همچنان در حوزه‌های ما تدریس می‌شود و حاکی از عمق دانش فقهی او در کنار درک صحیح از تحولات عصر خود دارد. ایشان در مشروطه "آگاهانه" طرف آزادیخواهان را در برابر مستبدین گرفت و مکتوبات به جا مانده از ایشان هنوز پرمایه و وطنین انداز است و البته فوت ایشان هم مشکوک و نابهنگام بوده است.

آخوند اعتقاد داشت که دول کفر از راه حکومت قانون و ترویج علم به پیشرفتهای فعلی نایل آمده‌اند و تردیدی نیست هر کشوری که بخواهد ترقی کند، باید همین راه را دنبال کند. بنابراین ایجاد نهادهای جدید فاقد سابقه در فقه عین حفظ بیضه اسلام و آن در واقع جهادی برای دفاع از کشور است که در شرعیات اهم از این نیست. او به مجلس شورای ملی و تبعیت از مصوبات آن مشروعیت دینی بخشید و اعتقاد داشت در زمان غیبت، موضوعات عرفیه و امور حسبیه به عقلای مسلمانان تفویض شده است و مجلس شورای ملی می‌تواند مقرر و وضع کند (آخوند خراسانی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵ به بعد).

ایشان توجه داشت که اقتصاد ملی روح مملکت و سبب ثروت ملت است و در اثر اقدامات حکومت از بین رفته است. او همچنین از تأسیس مدارس نوین و گسترش علم و دانش در میان مردم حمایت کرد که بی‌شک نقش اساسی در بنیانگذاری علوم و نهادهای جدید در ایران داشته است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۵۸۱-۵۸۲).

جمع‌بندی (پذیرش حق انحصاری برای پدیدآورنده): با توجه به مطالب بالا می‌توان چنین



جمع بندی کرد که هم علمای مشروطه‌خواه<sup>۱</sup> و هم روشنفکران، به خوبی متوجه شده بودند که رمز پیشرفت کشور در فراگیری و توسعه علم و دانش است و این نتیجه را نیز هم به تجربه دریافته بودند و هم در این خصوص تعارضی با مبانی دینی نمی‌یافتند. بر همین اساس می‌توان گفت آنها آماده پذیرش مشروعیت یک "حق انحصاری" برای صاحبان علم و اندیشه چه در حوزه فرهنگ و هنر و چه در حوزه صنعت بودند. بدین‌سان بستر و زمینه برای پذیرش مالکیت فکری در مجلس و سایر ارکان حکومت فراهم شد.

## ۵. مالکیت فکری در نخستین قوانین و مقررات

حال که با اندیشه‌ها و مطالبات روشنفکران و علمای مشروطه‌خواه آشنا شدیم، می‌توانیم درک کنیم لزوم وضع قوانین و مقررات راجع به مالکیت فکری از اولویتهای مشروطه‌خواهان بوده و حمایت از حقوق مالکیت فکری در قوانین و مقررات، اتفاقی یا از سر اقتباس کورکورانه از قوانین فرنگی نبوده است.

لازم به ذکر است در ایران هم همچون اروپا نخستین حمایتها از مالکیت ادبی هنری در قالب امتیاز حکومت به ناشران متولد شد. اولین دستگاه چاپ در ایران در سال ۱۱۹۷ شمسی در تبریز به کار گرفته شد و آنچه حق طبع یا همان امتیاز انحصاری پادشاه به ناشر تلقی می‌کنیم از سال ۱۳۰۰ قمری (حدود ۱۲۶۰ ش) به بعد در ایران برقرار شد (استادی، ۱۳۹۸، صص ۵۰ و ۶۵). توضیح آنکه میرزا صالح شیرازی نخستین ایرانی بود که برای آموختن فناوری چاپ به انگلستان فرستاده شد. عباس میرزا و مشاورانش که در برنامه‌نوسازی شان به اهمیت این فناوری برای آموزش و ترویج پی برده بودند چند تن را برای فراگرفتن فن چاپ به چند جا فرستادند. میرزا صالح مامور شد که افزون بر فراگرفتن فناوری چاپ، تجهیزات لازم برای تأسیس یک چاپخانه را هم بخرد و با خود همراه بیاورد این مأموریت را به خوبی به انجام رساند و افزون بر این‌ها بانی روزنامه‌نگاری در ایران و مترجم هم شد (آذرنگ، ۱۳۹۴، ص ۳۱۸ / استادی، ۱۳۹۹، ص ۳۵).<sup>۲</sup>

۱. آن‌گونه که یکی از محققین تتبع کرده است قبل از امام خمینی، صراحتاً در خصوص مشروعیت مصادیق مالکیت فکری استفتائی از مراجع شیعه موجود نیست (استادی، ۱۳۹۹، ص ۶۰) و جالب آنکه خود نحوه و مفاد استفتا از امام خمینی هم محل تأمل است.

۲. در خصوص حمایت از ناشران آنچه از اسناد و کتاب‌های چاپ سنگی دوره قاجار بر می‌آید به نظر می‌رسد اعطای

اما در خصوص مالکیت صنعتی، به علت عقب ماندگی اقتصادی نخست بیشتر بحث علامت تجاری و جلوگیری از رقابت نامشروع مطمح نظر بوده که نخستین تلاشهای قانونگذاری را خواهیم دید گرچه بعداً کم کم صنایع نوین به تدریج وارد ایران شد. بر همین اساس، در ادامه مقررات یافت شده مجلس شورای ملی را در بازه زمانی تعیین شده در مقدمه به ترتیب زمان تصویب، احصا و بررسی می‌کنیم البته قبل از آن به نخستین پیش‌نویس قانون مدنی هم اشاره خواهیم کرد.

### ۵-۱. نخستین پیش‌نویس قانون مدنی (۱۳۱۴ق)

نخستین پیش‌نویس قانون مدنی ایران که حسینقلی خان صدرالسلطنه مشهور به حاجی واشنگتن، آن را تهیه کرده و در سال ۱۳۱۴ هجری قمری مقارن با اولین سال پادشاهی مظفرالدین شاه به اتمام رسانده و به او تقدیم داشته، حاوی مقرره‌ای راجع به مالکیت فکری است. این پیش‌نویس حاوی ۶۴۱ ماده است و ظاهراً ترجمه‌ای از قانون مدنی کشورهای خارجی (احتمالاً مصر و فرانسه) است و با خطی خوش و توسط خود نامبرده به رشته تحریر در آمده و حاوی اشعاری هم از نامبرده است<sup>۱</sup> و چه جالب که اولین پیش‌نویس قانون مدنی ایران خود یک اثر ادبی و هنری است! ایشان در اقدامی جالب در ماده ۱۲ هم به مالکیت ادبی و هنری اشاره می‌کند و هم به مالکیت صنعتی. ماده ۱۲ مقرر می‌دارد: «حکم در آنچه متعلق است به حقوق مولف در مولفات خود و حقوق صانع در ملکیت مصنوعات خود به حسب قانون مخصوص به آن است».

اهمیت این پیش‌نویس در واژه‌گزینی نامبرده است که برای مالکیت ادبی و هنری از عبارت حقوق مولف و برای مالکیت صنعتی از عبارت حقوق صانع استفاده می‌کند. هم‌اکنون نیز به مالکیت ادبی و هنری حقوق مولف و به آنچه حقوق صانع گفته است، حقوق مالکیت صنعتی گفته می‌شود.

لازم به ذکر است قانون مدنی ایران، در ماده ۱۳۳۵ قانون مدنی و در سال ۱۳۱۴ شمسی (تاریخ

امتیاز حق نشر به متولیان چاپ به‌عنوان حمایت حکومتی از این حق پس از انتصاب محمد حسن خان صنّیع الدوله (اعتماد السلطنه که صاحب آثار و تالیفات فراوانی است) به سمت وزارت انطباعات در سال ۱۳۰۰ قمری، مطرح و به مثابه یک قانون یا حکم حکومتی لازم‌الاتباع اجرا شده است (استادی، ۱۳۹۹، ص ۵۱).  
 ۱. ر.ک: آل‌داوود، ۱۳۹۷، ص ۴۷-۴۸. نویسنده کتاب اعتقاد دارند پیش‌نویس محتملاً از زبان انگلیسی ترجمه شده باشد.

تصویب جلد سوم) به مصادیق مالکیت فکری قبل نسخ اشاره کرده بوده است<sup>۱</sup>. جهت مطالعه تطبیقی لازم به ذکر است در انقلاب فرانسه علی‌رغم توجه به مالکیت فکری و وضع قوانینی در حمایت از آن در ۱۳ و ۱۹ ژوئیه ۱۷۹۱، در قانون مدنی ۱۸۰۴ به مالکیت فکری و کلاً به اموال فکری پرداخته نشد و سکوت گردید. قانون مدنی فرانسه در همین راستا جز در موارد نادری مانند ماده ۱۲۴۰ که سخن از تصرف طلب می‌کند، مدار را بر اشیاء مادی و ملموس گذارد (Terré, 2006, p.47-48 / Planiol, 1952, pp.56) و حتی دیوان عالی فرانسه نخست از به‌کار بردن عنوان مالکیت خودداری می‌کرد و این حق را انحصار در بهره‌برداری می‌دانست ولی کم‌کم در حقوق فرانسه، اصطلاح مالکیت ادبی و هنری و سپس به تقلید از آن مالکیت صنعتی رواج یافت (Ripert, 1955, p.202-203). گرچه هنوز راجع به اینکه مالکیت فکری، مالکیت است یا حقی مستقل و اینکه حقی عینی است یا شخصی یا قسمی سوم، به‌علت تاریخ و مبانی حقوق خود اختلاف دارند! (Maupin, 2006, p.40 / Planiol-Ripert, 1952, p.59 / Colin, 1934, p.738).

## ۵-۲. قانون امتیاز تأسیس کارخانه چرم و صابون‌سازی به ربیع‌زاده و شرکا (مصوب ۱۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۸ ق / ۲۵ آبان ۱۲۸۹)<sup>۲</sup>

«... ماده ششم - علامت و مهر و قالبهای مخصوصی این کارخانجات بکلی ممنوع از تقلید است...».

مطابق تتبع نویسنده این "اولین مقرر قانونی ایران" در خصوص مالکیت فکری مصادف با ۱۲۸۹ شمسی و ۱۹۱۰ میلادی است. مجلس اول متأسفانه به توپ بسته شد و ناتمام ماند و این قانون، مصوب مجلس دوم مشروطه است. بنابراین از دومین مجلس مشروطه، ایران صاحب مقرر در خصوص مالکیت فکری بوده که قطعاً افتخاری تاریخی است.

همانطور که ملاحظه می‌گردد اولاً این قانون به علامت و منع تقلید از آن اشاره دارد. ثانیاً به احتمال زیاد قالبهای مخصوص می‌تواند اشاره به بحث منع تقلید از طرح‌های صنعتی داشته باشد.

۱. «ماده ۱۳۳۵ - در دعاوی ذیل قسم مورد ندارد: ... ۶ - دعاوی راجع بعلائم صنعتی و اسم و علائم تجارتي و حق التصنیف و حق اختراع و امثال اینها». در مشروح مذاکرات مجلس در خصوص ماده مذکور اظهارنظری ثبت نشده و به اکثریت آرا تصویب شده است (مشروح مذاکرات قانون مدنی، ۱۳۸۶، ص ۷۲۸).

۲. نخستین قانون مطبوعات در مجلس اول شورای ملی و مصادف با محرم ۱۳۲۶ هجری قمری تصویب شد با این حال این قانون اشاره قابل توجه و مشخصی به حقوق فکری ندارد (ر.ک: استادی، ۱۳۹۹، ص ۶۳).

### ۳-۵. قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی (۲۶ رمضان و ۱۹ ذی القعدة ۱۳۲۹ق / ۱۲۹۰ش)

این قانون که نخستین قانون آیین دادرسی مدنی ایران و اقتباس شده از قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه ۱۸۰۶ میلادی است، در دو جا به مالکیت فکری اشاره دارد: نخست بحث صلاحیت و دوم در مواد انتهایی که در واقع به اجرای احکام مدنی اختصاص دارد:

«مواد عمومی؛ .. ماده ۸ - امور راجعه بمحاکم صلحیه از قرار ذیل است: ... ثانیاً - دعاوی ضرر و خسارت ناشی از امتیازات از قبیل حق الطبع و حق التصنیف و امثال و غیر آن، دعاوی حقوقی ناشیه از امور جزائی در صورتی که در هریک از این دو مورد مدعی به بیش از چهارصد تومان نباشد ...».

ملاحظه می‌گردد در این قانون دعاوی راجع به مالکیت فکری به علت فقد مسلم سابقه فقهی، در صلاحیت محاکم عدلیه وقت قرار گرفته است. در زمان قاجار و مدتی پس از آن، محاکم به شرعی و عرفی تقسیم می‌شدند (آبراهامیان، ۱۳۹۶، صص ۳۴ و ۹۶/۹۶، امین، ۱۳۸۲، ص ۳۹۱ به بعد). اما مواد آتی مباحث شگفت‌انگیزی راجع به مالکیت ادبی و هنری دارد:

«فصل پنجم؛ در فروش اموال توقیف شده؛ مبحث اول؛ در فروش مال منقول ... ماده ۷۰۲ - مصنفات یا مترجمات خطی و همچنین مصنفات و مترجمات چاپی که هنوز برای خرید و فروش منتشر نشده بدون رضایت مصنفین یا مترجمین در حال حیات آنان و بدون رضایت وراثت و قایم مقام آنان در حال ممات بمعرض بیع نمی‌آید. ماده ۷۰۳ - هر گاه کسی مصنفات یا مترجمات دیگری را برای طبع و انتشار خود یا حق طبع را خریده یا باو منتقل شده باشد، فروش مصنفات یا مترجمات مذکوره یا حق طبع جایز است ولی هر گاه تعهد منتقل‌الیه نسبت بمصنف یا مترجم قبول کرده باشد، خریدار ثانوی باید قبلاً اجرای تعهد مزبور را بعهده بگیرد. ماده ۷۰۴ - ابتیاع مصنفات و مترجمات و پرده‌های نقاشی و سایر صنایع مستظرفه حق مالکیت ادبی یا صناعی را بخرنده، نمی‌دهد».

ماده ۷۰۲ این قانون که بعدها مشابه آن در ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ تکرار شد، ماده‌ای است که از آن حق افشا که یکی از حقوق معنوی مولف است استخراج می‌گردد، حقی که هنوز که هنوز است در کامن لا جدی گرفته نمی‌شود. ماده ۷۰۳ هدفش تأمین و تسجیل حقوق مالی پدیدآورنده است و اینکه نقل و انتقال حق تکثیر بین منتقل‌الیه اول و بعدی

خللی به حق مالی مولف نزنندو بالآخره ماده ۷۰۴ تأیید می‌کند تملک محصولات فکری به معنای تملک خود حق فکری نیست؛ مثلاً اینکه کسی کتابی بخرد به معنای این نیست که مالک حق مولف شده و بتواند بدون اجازه کتاب را تکثیر کند. واژه گزینی مالکیت ادبی و صناعی یا همان صنعتی هم در نوع خود جالب است.

#### ۵-۴. قانون پستی مصوب ليله ۱۵ رمضان مطابق ۵ اسد ۱۳۳۳ق

«ماده بیست و سوم - حقوق معینه در فصل سابق به مستوره جاتی تعلق می‌گیرد که دارای قیمت تجارتي نباشند و روی خود مستوره یا نوار و لفاف آن چیز دیگری جز اطلاعات ذیل نوشته نشده باشد: عنوان گیرنده - اسم فرستنده - علامت کارخانه - یا علامت مخصوص تاجر - نمره و قیمت و اطلاعات راجعه بوزن و طول و عرض و حجم و مقدار مال التجاره که نقداً از آن جنس حاضر است و اطلاعات راجع بمبدأ و جنس مال التجاره...».

ملاحظه می‌گردد در این قانون بدون اینکه مرز دقیقی میان علامت تجاری و اسم تجاری ترسیم کند و توجه به معنای آنها داشته باشد، به آنها اشاره دارد. اکنون در حقوق مالکیت صنعتی، علامت تجاری برای تمییز کالاها از هم و اسم تجارتي برای تمییز تاجر از همدیگر به کار می‌رود.

#### ۵-۵. عدم استفاده از استعمال علامت شیر و خورشید در مرسولات (مصوب ۱۳۰۲/۶/۱۳)

«هیئت وزراء در جلسه ۱۳ سنبله تنگوزئیل<sup>۱</sup> ۱۳۰۲ نظر بتقاضای سفارت آلمان و موافقت وزارت تجارت و فواید عامه تصویب کردند کمپانیهای رابرت ونکهوس و هامبورگ که در طهران و تبریز و انزلی و مشهد شعب دارند تا مدت ده ماه دیگر باستعمال علامت (شیر و خورشید) در مرسولات و محمولات خود مجاز بوده پس از انقضاء مدت مزبور باید علامت شیر و خورشید را متروک دارند».

۱. در لغت‌نامه دهخدا راجع به معنای واژه چنین آمده است: [ت] (ترکی، مرکب) سال خوک، سال دوازدهم دوره دوازده ساله ترکان. نام سال دوازدهم از دوره دوازده ساله تاریخ ترکان است، و امروز خوک را طنقوز و دُنز گویند. (یادداشت بخط مرحوم دهخدا). سال دوازدهم از دوره اثناعشری که سال خوک باشد (ناظم‌الاطباء): <https://dekhoda.ut.ac.ir/fa/dictionary/93970/%D8%AA%D9%86%DA%AF%D9%88%D8%B2%D8%A6%DB%8C%D9%84>.

## ۵-۶. دادن اجازه استعمال علامت شیر و خورشید به مدت شش ماه به تجارت‌خانه استیونس انگلیس (مصوب ۱۳۰۲/۷/۲۷)

«هیئت وزراء در جلسه بیست و هفتم میزان تنگوزنیل ۱۳۰۲ بر حسب پیشنهاد وزارت فواید عامه و موافقت وزارت امور خارجه تصویب نمودند که تجارتخانه استیونس انگلیسی تا ششماه دیگر باستعمال علامت شیر و خورشید بر روی مال التجارة خود مجاز باشد و پس از شش ماه استعمال علامت مزبور را بکلی موقوف و متروک دارد».

## ۵-۷. عدم استفاده از علامت شیر و خورشید (مصوب ۱۳۰۲/۸/۲۱)

«هیئت وزراء در جلسه ۲۱ عقرب تنگوزنیل بر حسب پیشنهاد وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه تصویب نمودند که برای تغییر علامت شیر و خورشید که تجارتخانه‌های خارجی در روی استعداد خود بعنوان علامت تجارتي استعمال میکنند بکلیه تجار دوازده ماه مهلت داده شود که در این مدت اجناس موجوده و سفارشی خودشان را بمعرض فروش برسانند و پس از انقضاء مدّت مزبوره استعمال علامت مزبوره را بکلی متروک دارند».

در خصوص سه مصوبه فوق ملاحظه می‌گردد باتوجه به اینکه علامت شیر و خورشید نشان ملی ایران بوده است، دیگر تجار نمی‌توانسته‌اند از آن به‌عنوان علامت تجاری خود استفاده کنند و منظور از متروک دارند یعنی استعمال آن را ترک کنند.

## ۵-۸. اجازه استعمال علامت «فروهر» و کبریت سلامت به آقای امیر ناصرخان (مصوب ۱۳۰۲/۱۰/۱۳)

«پیشنهاد وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه نمره ۶۹۴۰ راجع بتقاضای استعمال علامت (فروهر) و رسم جمله (کبریت سلامت) بر روی قوطی کبریت مختص آقای امیر ناصرخان در جلسه ۱۲ جدی تنگوزنیل ۱۳۰۲ هیئت وزراء قرائت و تصویب گردید که استعمال علامت و رسم جمله مذکور فوق برای کبریت مصنوع مشارالیه منحصرأ اجازه داده شود و تا وقتیکه قانون و نظامات کلی برای علامات صنعتی و تجارتي وضع نشده از این حکم استفاده کرده بعد تابع

۱. در سایت dotic.ir "استعد" درج شده که به معنای لباس پوشیده (ملبس) است به نظر نگارنده شاید واژه استند صحیح باشد به معنای موضع و دکه.

مقررات کلی باشد».

## ۹-۵. تصویب ماده واحده استعمال علامت شیر و خورشید (مصوب ۱۳۰۳/۸/۲۱)

هیئت وزراء در جلسه ۲۱ عقرب ۱۳۰۳ بر حسب پیشنهاد وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه ماده واحده ذیل را تصویب مینمایند.  
«ماده واحده - تصویب نامه جلسه ۲۱ عقرب ۱۳۰۳ نمره (.....) ملغی و استقلال علامت شیر و خورشید مطیع مقرراتی خواهد بود که بموجب قانون علامات صنعتی و تجارتي معين و اعلام گردد».

## ۱۰-۵. تأدیه مخارج حق تألیف و ترجمه کتب آقای مترجم نظام (مصوب ۱۳۰۳/۵/۴)

«هیئت وزراء در جلسه چهارم اسد ۱۳۰۳ تصویب نمودند مبلغ سیصد تومان بابت حق تألیف ترجمه کتبی که وزرات معارف با آقای مترجم نظام رجوع کرده اند، از محل اعتبار ماهیانه دولت تأدیه شود».

به کار بردن عبارت حق التألیف به جای حق الزحمه، نشان از شکل گیری بنیان مالکیت ادبی و هنری در آن عصر و همچنین حاکی از تفتن هیات وزرای وقت بر حقوق مالکیت فکری دارد.

## ۱۱-۵. مصوبه شورای عالی فرهنگ در سال ۱۳۰۳ خورشیدی درباره پروگرام سال پنجم و ششم ابتدایی

این مصوبه در برنامه درس فارسی مدارس نوین، اینگونه به مالکیت فکری اشاره دارد:  
«درس فارسی: قرائت: قطعات نثر و نظم ادبی و اخلاقی باتوجه به معانی لغات و فهم مقصود شرح حال مخترعین بزرگ دنیا اختراعات عمده آنها، ذکری از مشاهیر رجال عالم به اختصار - شرح حال رجال و دانشمندان بزرگ ایران و آثار ایشان - شرح حال سیاحان بزرگ و اکتشافات - جغرافیایی به اختصار - فواید تجارت و صناعت و فلاح - مراسلات ساده - تحریرات مختلفه متداوله».

## ۱۲-۵. مصوبه شورای عالی فرهنگ سال ۱۳۰۳ خورشیدی درباره دستور نش ساله ابتدایی نسوان

این مصوبه هم در برنامه درسی اشاره به مالکیت فکری دارد:

«فارسی: قرائت: قطعات نظم و نثر ادبی و اخلاقی باتوجه به معانی لغات و فهم مقصود - شرح حال مخترعین بزرگ دنیا و اختراعات عمده آنها چرخ خیاطی و جوراب-بافی و غیره - ذکرى از صنایع و هنرهای یدی نسوان - مراسلات ساده - تحریرات مختلفه متداوله ... فارسی: قرائت: نظم و نثر ادبی و اخلاقی باتوجه به معانی لغات و فهم مقصود - سایر مواد سال قبل قدری مفصل تر به اضافه ذکر مشاهیر رجال و نسوان عالم به اختصار.»

این دو مصوبه دروازه ورود مباحث مالکیت فکری به قلمرو آموزش همگانی ایران است و حاکی از بینش واضعان آن در شورای عالی فرهنگ وقت<sup>۱</sup>.

جالب آن که، دیوید مک کلان (David Clarence McClelland) استاد روانشناسی دانشگاه هاروارد آمریکا، اقدام به طرح نظریه روانشناسی توسعه اقتصادی کرده است. بر اساس نظر او عامل عمده عقب ماندگی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مربوط به عدم احساس خلاقیت فردی است. او ضمن مطالعه میدانی و تجربی بیان می‌دارد، در انسان سه نیاز وجود دارد اول نیاز به سازندگی و خلاقیت دوم نیاز برای قدرت و سوم نیاز عاطفی یا احساسی. او پس از بررسی کشورها بیان می‌دارد داستانهای کودکان در کشورهای در حال توسعه بیشتر جوانب معنوی زندگی انسان را در بر می‌گیرد و براین اساس داستان‌ها بر نیاز سوم یا نیاز عاطفی تاکید دارد، درحالی‌که داستان‌های کودکان کشورهای پیشرفته صنعتی حاکی از مزایای نیاز اول یا نیاز برای سازندگی و خلاقیت می‌باشد. البته او بیان می‌دارد با یک برنامه صحیح تعلیم و تربیت ما می‌توانیم با ایجاد روحیه کاری لازم شرایط را برای صنعتی شدن مهیا سازیم (ر.ک: تفضلی، ۱۳۸۶، ص ۴۷-۴۹).

۱. «... ۲ - لایحه اصلاحات پروگرام مدارس ابتدایی در جلسه ۸۳ مورخ ۱۳۰۶/۴/۷ مطرح گردید و اظهار شد که لایحه اصلاحی مزبور شامل چند نظریه است یکی آنکه من بعد بیشتر برای قوه فکریه محصلین مفید واقع گردیده و تمام وقت محصلین فقط مصروف قوه حافظه نشده و هر دو جنبه مراعات گردیده بلکه توسعه قوه فکری آنها بیشتر ملحوظ گردد...».



### ۱۳-۵. قانون اوزان و مقیاس‌ها (مصوب ۱۳۰۴/۳/۱۰)

«ماده اول - اوزان و مقیاسهای رسمی مملکت ایران از تاریخ اعلان این قانون از طرف دولت مطابق اصول متری بوده و از روی متر و کیلوگرام و لیتر کمیسیون بین‌المللی متر تنظیم یافته و واحد آنها از قرار ذیل است: گز مساوی به یک متر؛ درم مساوی به یک گرم؛ پیمان مساوی به یک لیتر... ماده سوم - هرکس حق دارد اوزان و مقیاسهایی بر طبق این قانون تهیه نماید ولی قبل از آنکه آنها را بمعرض فروش در آورد یا برای تجارت و کسب به کار برد باید آن اوزان و مقیاسها را بتصدیق دولت رسانیده و علامت رسمی در روی آن نقش شود و الا قلب شناخته خواهد شد... ماده ششم - منتها اختلافی که اوزان و مقیاسهای مستعمله با نمونه اوزان و مقیاسهای رسمی که در شعبه اوزان و مقیاسها موجود است می‌تواند داشته باشد به قراری است که در جدول نمره ۲ تصریح گردیده و هر گاه معلوم شود که وزن یا مقیاس به اندازه‌های قانونی زیاد یا کمتر از آن چه مقرر است اختلاف دارد در صورتی هم که دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته شده و مصادره خواهد شد».

این قانون می‌تواند نخستین طلیعه راجع به علامتهای تأییدی تلقی شود.

### ۱۴-۵. قانون علامات صنعتی و تجارتي مصوب ليله ۹ برج حمل ۱۳۰۴

این قانون که اولین قانون مدون و مستقل راجع به یکی از مصادیق مهم مالکیت صنعتی یعنی علائم تجاری می‌باشد، طلیعه قانون بعدی یعنی قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب اول تیر ماه ۱۳۱۰ شمسی است<sup>۱</sup> و در واقع نقطه عطفی در تاریخ مالکیت صنعتی ایران است. باتوجه به مطالب گذشته دیدیم یکی از دغدغه‌های جدی نزد متقدمین مشروطه جلوگیری از تقلب در تجارت بود که باعث اضمحلال اقتصاد ایران شده بود و بی‌شک تصویب چنین قانونی حاکی از درک صحیح مقنن وقت نسبت به اولویت بحث علائم تجاری و نقش آن در تصحیح روابط معیوب تجاری دارد. دو ماده نخست قانون ذکر می‌گردد:

«ماده اول - هر قسم علامت از رقم و حرف و عبارت و یا نقش که برای امتیاز و تشخیص یک

۱. قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب اول تیر ماه ۱۳۱۰ شمسی و نظامنامه اجرای قانون علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱ تیر ماه ۱۳۱۰ (قانون در ۵۱ ماده است و آیین‌نامه در ۵۹ ماده) ماده ۵۰ قانون: قانون نهم فروردین ماه ۱۳۰۴ راجع بعلائم تجاری و صنعتی نسخ و این قانون از ۱۵ تیر ماه ۱۳۱۰ بموقع اجرا گذارده می‌شود.

محصول صنعتی و یا یک شیء و یا مؤسسه تجارتي به کار رود علامت صنعتی و تجارتي شناخته خواهد شد.

معهداً علانم ذیل را به جای علامت صنعتی و یا تجارتي نمی توان به کار برد:

۱ - بیرق های ایران و خارج - علامت مملکتی (شیر و خورشید) - انواع نشان ها و مدال های دولتی ایران و یا خارجه - نقش های ترکیبی شبیه به بیرق های مختلفه ایران و خارجه - انگ های مخصوص دولتی.

تبصره - راجع به نقش های ترکیبی شبیه به بیرق های مختلفه ایران که قبل از تصویب این قانون استعمال شده است در صورتی که تا یک سال پس از تصویب این قانون به ثبت برسد اجازه داده خواهد شد.

۲ - علانمی که محتمل اختلال انتظامات عمومی و بر خلاف حسن اخلاق و یا موهم گمراهی مردم و یا تولید رقابت غیر عادلانه بنماید.

۳ - علانمی که مرکب باشد از ارقام و یا کلماتی که معمولاً کمیت و یا کیفیت و یا نوع مال التجاره را مشخص می دارد و یا عبارت است از اسامی مختلفه جغرافیایی.

۴ - انواع علانم مذهبی و علامات هیأتها و مؤسسات رسمی مانند شیر و خورشید سرخ و هلال و یا صلیب احمر و یا نظائر آن.

ماده دوم - هیچ کس حق انحصار هیچ نوع علامت صنعتی و تجارتي را نخواهد داشت مگر آنکه قبلاً موافق مقررات این قانون علامت خود را رسماً به ثبت وزارت تجارت رسانیده و اجازه استعمال آن را صادر نموده باشد.

## ۵-۱۵. قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۰۴)<sup>۱</sup>

مواد ذیل که در سال ۱۳۰۴ تصویب شده در واقع گامی بلند برای حمایت از صاحبان خرد و صنعت است. حمایت کیفیری از مالکیت فکری امری اساسی در حمایت از مصادیق آن است به طوری که حتی معاهده تریپس در ماده ۶۱ خود کشورهای متعاقد را مجبور می کند از مالکیت فکری حمایت کیفیری کنند و به حمایت محض حقوقی یا اداری اکتفا نکنند.

۱. قانون مجازات ۱۳۰۴ متعاقباً، در سال ۱۳۱۰ در خصوص مواد ۲۴۴ و ۲۴۹ اصلاح و کامل تر شد (ر.ک:

[.https://www.qavanin.ir/Law/TreeText/83695](https://www.qavanin.ir/Law/TreeText/83695)

همانطور که دیدیم از جمله آسیبهای جدی به اقتصاد ایران تقلب نسبت به اجناس بوده که تجار منفعت کوتاه مدت خود را به تجارت بلند مدت و سود مستمر ترجیح می‌دادند. اینجاست که مقنن آن زمان به خوبی دریافته بود حمایت از مالکیت فکری منجر به اخلاقی‌تر کردن تجارت می‌گردد، نکته‌ای که هنوز برای برخی تصمیم‌سازان ما جا نیفتاده است!

«فصل یازدهم - دسیسه و تقلب در کسب و تجارت»

ماده ۲۴۲ - کسی که بواسطه اشاعهٔ اشاعت مجعولات و یا اعلانات بی‌اصل و مجعول یا گران خریدن اجناس زیاد بر نرخ معین نزد فروشندگان یا بواسطه مواضعه و اتفاق بین مالکین قیمت اجناس و امتعه یا بروات و سهام و امثال آنرا زیاد بر نرخ عادلانه ترقی یا تنزل دهد بحسب تأدیبی از دو ماه تا یکسال و بتأدیه غرامت از سی الی سیصد تومان و یا یکی از این دو مجازات محکوم خواهد شد. اگر اقدامات مذکوره نسبت به غلات و ارزاق و اشیاء ضروریه عمومی باشد ضعف مجازات مزبور مجری خواهد شد ...

ماده ۲۴۴ - هرکس مشتری را در خصوص عیار طلا یا نقره یا اصل بودن جواهر فریب دهد یا جنسی را به جای جنس دیگر قلم دهد به طوری که مقصود مشتری از ابتیاع آن حاصل نشود یا اینکه به واسطه اوزان و مقادیر غیر صحیح یا تقلبی مقدار جنس را کم کند و به طور کلی مشتری را از حیث کمیت یا کیفیت مبیع فریب دهد به حسب تأدیبی از پانزده روز الی یک ماه و به تأدیه غرامت از ده الی پنجاه تومان یا به یکی از این دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴۵ - هرکس تصنیف یا تألیف دیگری را اعم از کتاب و رساله و نقشه و تصویر و غیره بدون اجازهٔ مصنف یا مؤلف یا کسی که حق تألیف را از مصنف یا مؤلف تحصیل نموده است کلاً یا بعضاً شخصاً یا بتوسط دیگری بطبع برساند بتأدیهٔ غرامت از پنجاه الی پانصد تومان محکوم خواهد شد.

مجازات فوق مقرر است ولو اینکه مرتکب تصرفات جزئی هم در تصنیف یا تألیف که بدون اجازهٔ بطبع رسانیده است نموده باشد و معلوم شود که تصرفات مزبوره فقط برای حفظ ظاهر و فرار از تعقیب است.

ماده ۲۴۶ - کسی که در تألیف یا تصنیف یا تحریرات مطبوعهٔ خود در غیر موردی که اقتباس محسوب می‌شود عین جمل تألیف یا تصنیف یا تحریر دیگری را بدون ذکر اسم مؤلف یا منصف یا محرر آن ذکر کند به حداقل مجازات مذکور در مادهٔ فوق محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴۷ - هرکس کتاب یا سایر اشیاء مذکوره در ماده ۲۴۵ را با علم و اطلاع بفروشد یا به معرض فروش در آورد یا بخاک ایران وارد کند، بتأدیه غرامت از ۲۵ الی دویست تومان محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴۸ - هرکس تصنیف یا تألیف دیگری را اعم از کتاب و رساله و نقشه و تصویر و غیره باسم خود یا شخص دیگری غیر از مؤلف طبع نماید بتأدیه غرامت از یکصد الی یکهزار تومان محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴۹ - هرکس علائم صنعتی یا تجارתי دیگری را که مطابق قانون علائم صنعتی ثبت و رسمیت یافته است، متقلبانه استعمال نماید به تأدیه پنجاه الی یک هزار تومان غرامت محکوم خواهد شد مگر اینکه مورد از موارد جعل و تزویر باشد».

## ۶. مالکیت فکری در معاهدات

قبل از پایان سال ۱۳۱۰ دو معاهده تصویب شده است که یکی منحصرراً راجع به مالکیت فکری است و دیگری مقرراتی از خود را به این مهم اختصاص داده است. این امر حکایت از اهمیت حمایت از مالکیت فکری در تجارت بین دولتها و لزوم تبعیت ایران از این حقوق از دهه‌ها پیش در صورت تمایل به تجارت با کشورهای خارجی معتبر دارد. جالب آنکه پس از گذشت این همه سال یکی از موانع اصلی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی آماده نبودن زیرساختهای کشور برای پذیرش معاهده تریپس است.

### ۶-۱. قانون اجازه مبادله قرارداد حمایت تصدیق‌نامه‌های اختراع و علائم صنعتی و تجارتي و... منعقدہ بین دولتین ایران و آلمان (مصوب ۱۳۰۹/۸/۱۳)

«ماده واحده - مجلس شورای ملی قرارداد حمایت تصدیق‌نامه‌های اختراع و علائم صنعتی و یا تجارتي و اسامی تجارتي و طرحها و حقوق مالکیت صنعتی و ادبی مشتمل بر دو ماده را که در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۳۰ - ۵ اسفند ماه ۱۳۰۸ شمسی - بین دولتین ایران و آلمان امضاء شده است تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آنرا به دولت میدهد.

برای تشیید روابط اقتصادی مملکتین بر طبق عهدنامه مودت و برای تکمیل قرارداد تجارتي و گمرکی و بحریمائی که در ۱۷ فوریه ۱۹۲۹ امضا شده تصمیم بانعقاد قراردادی برای حمایت

تصدیق‌نامه‌های اختراع و علائم صنعتی یا تجارتي و اسامی تجارتي و طرحها و حقوق مالکیت صنعتی و ادبی نموده و اختیارداران خود را به طریق ذیل معین نمودند.

ماده اول - اتباع و شرکت‌های هریک از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر از همان حقوقی بهره‌مند خواهند بود که اتباع و شرکت‌های مملکت متوقف فیها راجع به تصدیق‌نامه‌های اختراع و علائم صنعتی یا تجارتي و اسامی تجارتي و طرحها و حقوق مالکیت صنعتی و ادبی با اجرای مراسم مقرر در قوانین جاریه مملکت متوقف فیها استفاده می‌نمایند.

طرفین متعاهدین برای حفظ حقوق مذکوره فوق تعهد می‌نمایند مجازات‌های مقتضیه برای موارد نقض حقوق مزبوره مقرر بدارند و نیز قید می‌شود که هریک از طرفین متعاهدین این مواد را نسبت به تصدیق‌نامه‌های اختراع و علائم صنعتی یا تجارتي و اسامی تجارتي و طرحها و حقوق مالکیت صنعتی و ادبی اتباع و شرکت‌های طرف متعاهد دیگر در صورتی که مراسم مربوطه به آنها بر طبق قوانین جاریه در مملکت متوقف فیها قبل از اجرای این قرارداد هم به عمل آمده باشد اعمال خواهند نمود...»

## ۶-۲. قانون اجازه مبادله قرارداد اقامت و تجارت و بحریمائی منعقدہ بین دولتین ایران و اتحاد جماهیر شوروی (مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۱۰)

«ماده واحده - مجلس شورای ملی قرارداد اقامت و تجارت و بحریمائی مشتمل بر بیست ماده و یک پروتکل اختتامیه و یازده مراسله را که در تاریخ ۴ ابانماه ۱۳۱۰ بین دولتین ایران و اتحاد جماهیر شوروی به امضاء رسیده است تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آن را به دولت می‌دهد...»

ماده ششم - اختراعات و علائم صنعتی و تجارتي و مسطوره‌ها و نمونه‌های صنعتی متعلق باتباع یکی از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر بر طبق قوانین و نظامات داخلی در تحت حمایت گرفته خواهند شد. اتباع هریک از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر راجع به اختراعات و علائم صنعتی و تجارتي و مسطوره‌ها و نمونه‌های صنعتی و همچنین حمایت در مقابل رقابت مکارانه از همان حقوقی بهره‌مند خواهند شد که اتباع داخله و اتباع دولت کاملاًالوداد فعلاً بهره‌مند بوده و یا در آتیه بهره‌مند خواهند بود.

ماده هفتم - طرفین متعاهدین موافقت دارند که در اسرع اوقات ممکنه راجع به احوال شخصیه

و حمایت مالکیت صنعتی و مبارزه با قاچاق و حفظ حیوانات و نباتات از امراض یا حشرات موزیه و همینطور راجع به حکمیت در امور حقوقی و تعاون و قضائی قراردادهای مخصوصی بین مملکتین منعقد نمایند».

## نتیجه

نتیجه این مقاله هم شیرین و هم تلخ است. شیرین از این باب که نشان می‌دهد متقدمین ما خیلی زودتر از بسیاری از کشورها، به ضرورت تأسیس اقتصاد ملی و مبتنی بر دانش و حمایت از مالکیت فکری آگاه شده بودند و ایران صاحب مقررات قانونی از همان ابتدای قانونگذاری شده بود و تلخ از باب اینکه زمز مه‌های مالکیت فکری پس از مشروطه رو به سکوت گذارد و سال‌ها طول کشید تا دوباره ایرانیان به ضرورت‌های پیش گفته آگاه شوند و آنها را پی بگیرند. در واقع نکته اساسی اینست که حقوق مالکیت فکری معلول پیشرفتهای فرهنگی، علمی و اقتصادی یک کشور و مطالبه صاحبان علم و فرهنگ و ذی‌نفعان اقتصادی این حوزه‌ها است.

به هر حال قدمت مشروعیت می‌بخشد و معلوم شد چه علما و چه روشنفکران فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی خود، در حمایت از علم و دانش و به رسمیت شناخته شدن "حقی انحصاری" برای صاحبان اندیشه و صنعت به اتفاق رسیده بودند و همین باعث شد خیلی زود و در میان نخستین قوانین مصوب مجلس شورای ملی، ما شاهد قوانین مرتبط با مالکیت فکری در حوزه‌های مختلف باشیم بدون آنکه مخالفتی با آنها از ناحیه متشرعین یا روشنفکران صورت گیرد. امید آنست که حکومت و ارکان آن با نگاهی به گذشته و توجه به ضرورت‌های نوین، سریع‌تر عقب ماندگی‌ها را در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان و حمایت از مالکیت فکری جبران کند و زمینه را برای پیشرفت بیشتر ایران مهیا سازد.

## منابع

۱. آبراهامیان، یرواند؛ تاریخ ایران مدرن؛ ترجمه محمدابراهیم فتاحی؛ تهران: نشر نی، ۱۳۹۶.
۲. آذرنگ، عبدالحسین؛ تاریخ ترجمه در ایران؛ تهران: ققنوس، ۱۳۹۴.
۳. استادی، کاظم؛ تاریخچه مالکیت ایده در ایران؛ قم: تولید و پخش کتاب ارزشمند، ۱۳۹۹.
۴. استادی، کاظم؛ مالکیت فکری و ایده‌برداری؛ قم: تولید و پخش کتاب ارزشمند، ۱۳۹۸.
۵. آل‌داود، سیدعلی؛ نخستین کوشش‌های قانونگذاری در ایران؛ تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۷.
۶. امین، حسن؛ تاریخ حقوق ایران؛ تهران: انتشارات دایرةالمعارف ایران، ۱۳۸۲.
۷. ایمانی، عباس؛ اندیشه قانون در ادبیات دوره مشروطه؛ ج ۲، تهران: نامه هستی، ۱۳۹۶.
۸. باینم، ویلیام؛ تاریخ مختصر علم؛ ترجمه ماندانا فرهادیان؛ ج ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۹۸.
۹. پیلوار، رحیم؛ «مفهوم اموال فکری در حقوق اموال و جایگاه آن»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی؛ ش ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۷-۴۰.
۱۰. تفضلی، فریدون؛ تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)؛ ج ۷، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ حقوق اموال؛ ج ۵، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۰.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق؛ تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲.
۱۳. حکمت‌نیا، محمود؛ آزاداندیشی و آزادی بیان؛ ج ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۹.
۱۴. خراسانی، ملامحمدکاظم؛ سیاست‌نامه خراسانی؛ به کوشش محسن کدیور؛ ج ۲، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۷.
۱۵. شبیری زنجانی، سیدحسن؛ «حق اختراع و مبانی آن در آئینه تاریخ»، مجله دین و قانون؛ ش ۷، بهار ۱۳۹۴، ص ۱۱۵-۱۵۳.
۱۶. صفایی، سیدحسین؛ مقالاتی درباره حقوق مدنی و تطبیقی؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۷۵.
۱۷. طباطبایی، جواد؛ تأملی درباره ایران؛ ج ۲، تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۲.
۱۸. عدل، مصطفی؛ حقوق اساسی یا اصول مشروطیت؛ به اهتمام علی اصغر حقدار؛ تهران:

- نشر چشمه، ۱۳۸۹.
۱۹. عمید زنجانی، عباسعلی؛ کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۷.
۲۰. غنی‌نژاد، موسی؛ تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
۲۱. کاتوزیان، ناصر؛ اموال و مالکیت؛ چ ۵۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۸.
۲۲. کلمبه، کلود؛ اصول بنیادین حقوق مؤلف؛ ترجمه و توضیح علیرضا محمدزاده وادقانی؛ چ ۲، تهران: میزان، ۱۳۹۰.
۲۳. کلی، جان؛ تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب؛ ترجمه محمد راسخ؛ تهران: طرح نو، ۱۳۸۲.
۲۴. مراغه‌ای، زین‌العابدین؛ سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک؛ قاهره: چاپ سنگی، [بی‌تا].
۲۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ مشروح مذاکرات قانون مدنی؛ گردآوری و تحقیق احمدرضا نائینی؛ تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶.
۲۶. مستشارالدوله، میرزا یوسف‌خان؛ یک کلمه؛ ویراست امیر حکیمی؛ [بی‌جا]: (نشر دیجیتال)، ۱۳۹۳.
۲۷. میرحسینی، سیدحسن؛ مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی؛ چ ۵، تهران: میزان، ۱۳۹۴.
۲۸. همایون کاتوزیان، محمدعلی؛ اقتصاد سیاسی ایران؛ چ ۲۲، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۶.
29. Colin. A et H Capitant؛ **Cours élémentaire de droit civil français**؛ Avec le concours de M. Julliot de la morandière؛ T. 1؛ 8<sup>e</sup> édition؛ Dalloz؛ 1934.
30. Planiol, Marcel et George Ripert؛ **Traité pratique de droit civil Français, Les biens**؛ T 3؛ 2<sup>e</sup> Editio؛ Par Picard؛ L. G. D. J؛ 1952.
31. Reboul - Maupin, Nadège؛ **Droit des biens**؛ Dalloz؛ 2006.
32. Ripert, George؛ **Les forces créatrice du droit**؛ L. G. D. J؛ 1955.
33. Terré, François et Philippe Simler؛ **Droit civil, Les biens**, 7<sup>e</sup> édition؛ Dalloz؛ 2018.